

چراغنی به عربستان، چین و پاکستان سفر کرد؟؟؟

(استاد صباح)



کشیدند از وطن مام وطن را
به خاک و خون زدند نام وطن را
زدست هرکه آمد هرچه کردند
زدند با سنگ غم جام وطن را.

اشرف غنی از زمان ادای سوگند و پیش از سفر به اسلام آباد، به عربستان سعودی و چین سفر کرد و گفته می شود در این سفرها از دوشریک استراتژیک پاکستان خواسته است که برای کشور بخاطر همکاری بیشتر در روند ایجاد صلح در افغانستان فشار بیاورد. سفر دوازده غنی و هیئت همراه به پاکستان در حالی صورت گرفت که پیش از این، کابل میزبان دومقام ارشد پاکستانی بوده است. چندی پیش سرتاج عزیز مشاور امنیت ملی و سیاست خارجی نخست وزیر پاکستان و راحیل شریف لوی در سنیز اردوی این کشور به کابل سفر کرده و با مقامات دولتی گفتگو کرده اند.

اشرف غنی در این سفر از حمایت آمریکا برای فشار بر پاکستان در زمینه قطع دخالت در امور افغانستان برخوردار بود. همچنین چین که یکی از قدرت های برنفوذ بر پاکستان است در سفر اخیر اشرف غنی به یکن برای همکاری در زمینه واداشتن اسلام آباد به کاهش تنش و همکاری برای صلح قول مساعدت داده است. عربستان سعودی نیز از کشورهای است که نفوذ ایدئولوژیک عمیقی بر اسلام آباد دارد و دو کشور از نظر روابط حسنه با گروه های تندروی تکفیری و تروریستی و حمایت از افراط گرایی، مواضع همسانی دارند. همه این مسایل، سفر اشرف غنی به سرزمین همسایه را به رویدادی فوق العاده مهم و استراتژیک تبدیل می کند؛ اما به رغم خوش بینی هایی که در این خصوص در سایه رفت و آمدهای دیپلماتیک شکل گرفته، با توجه به ناامنی های موجود، هنوز امیدهای بسیار اندکی برای دستاوردهای ملموس و کوتاه مدت این سفر وجود دارد.

پاکستان از بدو تأسیس همسایه ی خوبی برای افغانستان نبوده است و یکی از مسائل عمده ای پر تنش بین دو کشور خط مرزی دیورند است، که طی بیش از یک قرن از سوی هیچ دولتی در افغانستان به رسمیت شناخته نشده است و این خط سبب شده تا مناسبات افغانستان و پاکستان همواره دچار فراز و نشیب های باشد. پاکستان همیشه در همسایگی خود خواهان یک افغانستان تابع، ضعیف، محتاج و بی ثبات بوده و تلاش مینماید تا رژیم مزدور و وابسته مانند طالبان در قدرت باشد. اما بعد از حوادث نیویارک و واشنگتن و تغییراتی که در سیاست های جهانی پدید آمد، پاکستان با وجود مقاومت های زیاد، در نهایت ناچار شد جام زهر را از دست آمریکائی ها بنوشد و در مقابل اخذ بسته های دالر - طالبان را به آمریکا بفرشد. سیاست اسلام آباد در افغانستان مبتنی بر نفوذ در ساختارهای حکومتی و مراکز تصمیم گیری کشور است و به رسمیت شناختن طالبان در زمان حکومت بر افغانستان هم در این راستا، قابل ارزیابی است. در سال های اخیر همواره دولت پاکستان در معرض اتهام حمایت از طالبان بوده است.

مقامات افغانی و آمریکایی بر این باورند که طالبان و حتی هسته هایی از القاعده در داخل پاکستان آموزش می بینند و تجهیز می شوند. اما دولت پاکستان با سخنان همیشگی و کلیشه یی با وجود قراین فراوان این موضوع را رد مینماید.

مجله تایم در گزارشی به بررسی معامله ی دولت و تروریستان در پاکستان پرداخته، مینویسد: بیت الله محسود، یکی از مشهورترین رهبران افراطی و بنیادگر در پاکستان که به دخالت در حملات مرگبار و بم گذاری متهم بوده و دولت با وی در مرز افغانستان اعلام آتش بس کرده است.

این آتش بس از طرف محسود با اعلام نزدیک شدن به انجام معاهده صلح با رهبران قبیله ای این منطقه توسط دولت جدید همراه بوده است. دیپلمات های غربی نیز نگران طرف های درگیر مناقشات در پاکستان هستند. در حالیکه آنها از سازش با بنیادگرایان رده پایین و رهبران قبیله ای حمایت می کنند وقتی که نوبت به القاعده و بزرگان تروریسم در پاکستان می رسد عقیده دارند که باید حد و مرز را تا حدودی رعایت کرد و ادعا می کنند که لیست افرادی که صلح را نمی پذیرند در اختیار دارند.

زمانی که شخصی ستیزه جویی مانند بیت الله محسود آتش بس اعلام می کند این چه معنایی دارد؟ به عنوان تروریست و مسوول طالبان پاکستان، محسود جنگی نابود کننده ای را در وزیرستان به راه انداخته است. او طی اعلامیه هایی به زیردستانش گفته است، که حملات را برای آماده شدن جهت گفتگوهای صلح متوقف کنند. این اقدام وی بخاطر تقویه و سربازگیری های جدید بوده تا بتواند بر فعالانیهایش بیشتر از گذشته ادامه بدهد...

ماروین وین بام، محقق در مؤسسه خاورمیانه در واشنگتن می گوید: اگر ستیزه جویان قادر به فرو نشاندن حملات باشند و بتوانند آن را برای این دوره زمانی متوقف نمایند، نشان می دهند که حملات تروریستی توسط بمب گذاران مستقل نبوده است. او معتقد است: آنچه که این ستیزه جویان متوقف کنند می توانند دوباره به راه بیاندازند. حتی اگر محسود بتواند حملات را در وزیرستان متوقف کند هیچ دلیلی وجود ندارد که او بتواند ستیزه جویان را در دیگر مناطق پاکستان کنترل کند... همچنان مولوی عمرظاهر میگوید - ما به تعهدمان بر سر آتش بس وفاداریم.

توافقات صلح در سال ۲۰۰۶ در پاکستان با هجوم حملات علیه نیروهای نظامی لغو شد و به افراط گرایان فرصت داد که دوباره گرد هم بیایند... محسود از دولت پاکستان می خواهد که نیروهای اردو را از مناطق قبیله ای خارج کند و به جنگش علیه نیروهای ناتو در افغانستان ادامه بدهد. وی می افزاید: حتی انجام يك معاهده موفق توسط دولت پاکستان يك سیاست بازدارنده خواهد بود. فرماندهان نظامی منطقه پیش بینی حملات بیشتری در افغانستان را مینمایند.

یکی از مسوولین ناتو در افغانستان می گوید: باید نتایج فقدان صلاحیت اردوی پاکستان را برای دو یا سه سال دیگر تحمل کرد که این موضوع نشان دهنده افزایش تروریسم است. ریچارد بوچر، معاون وزیر خارجه آمریکا در امور جنوب آسیا می گوید که دولت اسلام آباد از اشتباهات در معاهده سال ۲۰۰۶ درس گرفته است. وی می افزاید - در نهایت شما مجبورید که از نیروهای نظامی جهت به اجرا در آوردن توافقات استفاده کنید. مشکلی که جنگجویان هم از آن آگاهند این است که آتش بس فرصتی برای تجدید قوا را فراهم می کند.

دو سناتور مطرح امریکایی بعد از دیدار از افغانستان، پاکستان و هند گفته اند که پاکستان خطر جدی را متوجه امنیت افغانستان ساخته است. سناتور کارل، رییس کمیسیون امور قوای مسلح کانگرس امریکا می گوید، خطری که امنیت افغانستان را تهدید می کند، داخلی نبوده، بلکه ریشه خارجی دارد. وی می گوید این خطر از خاک پاکستان ریشه می گیرد. القاعده و طالبان برای آموزش و پلان گذاری حملات علیه افغانستان از پناهگاه های امن در پاکستان استفاده می کنند. این سناتوران می گویند: تروریستانی را که ما در مورد آنها همواره صحبت می کنیم، همان کسانی اند که از پاکستان می آیند. تا این که پاکستان نخواهد، چاره دیگری برای این تروریستان وجود ندارد، اما پاکستان تا اکنون هیچ گاهی نخواسته است جلو این تروریستان را از داخل شدن به افغانستان بگیرد. شواهدی زیادی وجود دارد که دولت پاکستان به... هدف تامین صلح در قلمرو خود با القاعده و طالبان تفاهم می کند، اما این معاهده به طالبان و تروریستان فرصت می دهد تا آزادانه از سرحد عبور کرده و علیه افغانستان بجنگند. این دو سناتور خواستار مشروط ساختن کمک های امریکا به پاکستان شدند، چون به قول آنها اردوی پاکستان از این پول ها برای هدف اصلی اش که همانا آماده ساختن برای جنگ با هند است استفاده می کند.

رس فین گولد عضو کمیته های قضایی، اطلاعاتی و خارجی در مجلس سناي امریکا که چندی قبل در اسلام آباد اعتراف کرد، اعتماد واشنگتن به مشرف در گذشته اشتباه بوده است. وی از بوش خواست با حمایت از احزاب سیاسی پاکستان اشتباه گذشته خود را جبران کند. این سناتور امریکایی مدعی شد، امریکا نباید فقط روابط خود را با رئیس

جمهوری پاکستان تحکیم بخشد بلکه با گسترش روابط با احزاب سیاسی قدرت مانور خود را در این کشور افزایش دهد. همچنان پیمان حکومت پاکستان با طالبان آنکشور تشنج را در افغانستان افزایش داده و امنیت افغانستان مستقیماً بر کشورهای همسایه ارتباط دارد.

جنرال دان ک. مکنیل (DAN K. MCNEILL) قوماندان عمومی نیروهای آیساف گفته بود- هر زمانی که یک پیمان بین حکومت پاکستان و طالبان آنکشور عقد میگردد، تشنج و نا آرامی در افغانستان افزایش پیدا میکند. این نگرانی بعد از آن انعکاس می یابد که حکومت پاکستان و طالبان محلی معاهده را امضاء نمودند. طالبان برای موفقیت معاهده، سفیر اختطاف شده پاکستان مقیم کابل و هجده عسکر اردوی پاکستان را رها نمودند و پاکستان در مقابل، پنجاه و پنج طالب و یکی از قوماندانهای مهم آنها را آزاد کرده است. دولت افغانستان همواره گفته است که طالبان در مناطق قبایلی وزیرستان تربیه شده و به هدف انجام اعمال تخریبی و حملات انتحاری، وارد افغانستان میشوند. قوماندان آیساف میگوید، که تا زمانی که مخفیگاه ها و محل آموزش مخالفین، از بین نرود امکان از بین بردن آنها وجود نخواهد داشت.

به نظر من از همه اولتر استراتژی مخالفین را از بین ببریم و نگذاریم که مردم به طرف آنها بروند. دان مکنیل گفت که امنیت نه تنها در افغانستان ضروری است، بلکه بر کشورهای همسایه نیز، تاثیر زیادی دارد. آرزوی ما اینست که عملکرد کشورهای همسایه افغانستان، مطابق گفتار شان باشد. تا امنیت در افغانستان بهبود یابد، چون امنیت در افغانستان، مستقیماً به همسایگان رابطه میگیرد. نظر به نفوس و مساحت افغانستان، باید تعداد نیروهای خارجی که امنیت را تامین نمایند ۴۰۰ هزار تن باشد، اما این رقم امکان ندارد چرا که نه جامعه جهانی میتواند این تعداد را بفرستد و نه حکومت افغانستان توانایی پرداخت معاش آنها را دارد. آنها باید مشترکاً با نیروهای داخلی این مبارزه را پیش ببرند و این به زمان زیادی ضرورت دارد.

در سالهای گذشته کرزی بارها پاکستان را متهم کرده اند که از طالبان و القاعده برای ناامن کردن افغانستان حمایت می کند و در این میان روابط دو کشور در مقطعی متشنج شده است. همچنین در یک سال اخیر که گفته می شود خونین ترین سال در افغانستان پس از فروپاشی طالبان می باشد برخی فرماندهان نیروهای خارجی و همین طور سازمان ملل متحد نیز پاکستان را تحت فشار قرار داده اند تا به تعهدات خود در قبال کمک به امنیت افغانستان پایبند باشند.

افغانستان مدعی است که در یک دهه گذشته سه گروه عمده در این کشور فعالیت کرده اند که مورد حمایت مستقیم پاکستان بوده اند. طالبان، حزب اسلامی گلبدین حکمتیار و شبکه حقانی. حزب اسلامی حکمتیار نیز در پاکستان مستقر است. در دوره ی که جهاد بر علیه شوروی وجود داشت، پاکستان از هفت گروه جهادی فعال در پیشاور حمایت می کرد. در دوره جنگ داخلی هم از حکمتیار حمایت کردند و بعد هم زمانی که دولت ربانی از طالبان شکست خورد، افغان ها معتقدند این پاکستان بود که طالبان را در افغانستان روی کار آورد.

بعد هم که آمریکا وارد افغانستان شد، طالبان به پاکستان منتقل شد و باز هم مردم معتقدند که دخالت های پاکستان کماکان ادامه داشته است. بر همین اساس خیلی ها معتقدند که ریشه های افراط گرایی مذهبی در رابطه با افغانستان را پاکستان ایجاد کرده است. در زمانی که شوروی در افغانستان حضور داشت، پول و نیروی انسانی کشورهای غربی و عربی به منظور جهاد با شوروی به پیشاور رفت و در تعلیم و سازماندهی گروه های جهادی مصروف شدند. همین گروه ها بودند که بعدها سازمان القاعده بر همین اساس تشکیل شد و طالبان و شبکه حقانی نیز با القاعده در ارتباط بودند و زیرمجموعه های آن به حساب می آیند. در واقع در آن مقطع زمانی هم کشورهای عربی - اسلامی و هم کشورهای اروپایی و آمریکایی به شکل گیری این جریان کمک شایانی کردند.

اسلام آباد، زمانی که طالبان در افغانستان قدرت را در دست داشت، دولت طالبان را به رسمیت شناخت. همچنین، رهبران طالبان پس از تهاجم آمریکا در سال دوهزارویک مفّری بهتر از پاکستان پیدا نکردند. از آن زمان تاکنون، اعضای طالبان و دیگر گروه های شورشی از مناطق قبیله ای پاکستان به عنوان پایگاهی برای حملات خود علیه نیروهای داخلی و ناتو استفاده کرده اند. دولت پاکستان حمایت از طالبان را البته تکذیب می کند، اما بسیاری معتقدند که این کشور از شبه نظامیان افراط گرا برای اقدامات پنهانی خود علیه همسایگان استفاده می کند.

اشرف غنی، زمانی که در ماه سپتامبر به عنوان رییس جمهور جدید سوگند یاد کرد، مجموعه ای از چالش ها را از دولت قبلی به ارث برد. از جمله این چالش ها و معضلات باید به اقتصاد ضعیف و تحلیل رفته، فساد همه گیر و استمرار حملات مخالفین در آستانه خروج قسمی نیروهای ناتو و آمریکا از افغانستان اشاره کرد.

اشرف غنی برای مقابله با این چالش ها برنامه هایی را اعلام کرده است. او قصد دارد به موازات پیگیری و احیای مذاکرات صلح با طالبان با هدف پایان دادن به حملات مخالفین طرح بلندپروازانه ای را نیز برای ایجاد یک همکاری تجاری منطقه ای دنبال کند. نارندرا مودی، نخست وزیر هند که خود یکی از منتقدان پاکستان است، می گوید دولت اسلام آباد از افراط گرایان حمایت می کند، پیشاپیش پشتیبانی خود را از این طرح اشرف غنی اعلام کرده است. به نظر می رسد تشدید ناامنی ها، عدم توقف حملات راکتی پاکستان به ولایات شرقی کشور و همچنین سوء سابقه پاکستان در نقض مکرر تعهدات خود به دولت افغانستان مخصوصا طی ۱۳ سال گذشته عامل اصلی این بدبینی هاست.

اشرف غنی به منظور تقویت روابط با اسلام آباد که در زمان حاکمیت دولت کرزی به شدت خراب شده بود غنی، از زمانی که شش هفته قبل به قدرت رسیده بود، برقراری روابط بهتر با پاکستان وجستجوی راه ها به منظور آغاز گفت وگوهای صلح با مخالفین، که تعداد زیادی از آن ها به داخل پاکستان پناه برده اند را در جمله اولویت های خود قرار داده است. این که آیا پاکستان به اقدامات غنی در راستای تأمین صلح عکس العمل مشابه نشان می دهد یا خیر، شرایطی را تعیین می کند که در آن تروریسم اسلام گرا در سال های آینده منطقه را قورت خواهد داد.

آمریکا می تواند دوطرف را در زمینه تقویت ارتباطات نظامی، با هدف کاهش حرکات تروریست ها در امتداد مرزها، تحت فشار قرار دهد و همکاری های نزدیک تر اقتصادی و تجاری به عنوان راهی برای اعتمادسازی میان دو کشور را تسهیل کند. در صورتی که دوطرف این فرصت بهبود همکاری ها را از دست بدهند، زمینه برای تروریست اسلام گرا فراهم می شود تا به حملات شان در دو کشور ادامه بدهند؛ مانند حمله ویرانگر اخیر در نقطه ای مرزی «وفا» که حداقل جان پنجاه و پنج پاکستانی را گرفت.

در زمان ریاست جمهوری کرزی، روابط میان اسلام آباد و کابل فراز و نشیب زیادی را تجربه کرد. کرزی با «آصف علی زرداری» رئیس جمهور پیشین پاکستان، روابط شخصی خوبی داشت و چندین بار از پاکستان دیدار کرد. با این حال، پس از ترور «برهان الدین ربانی»، روابط کابل با اسلام آباد تیره شد و کرزی به شکل روزافزونی به هند به عنوان یک همکار منطقه ای افغانستان در آینده نگاه می کرد. سه هفته پس از ترور ربانی، کرزی از دهلی نو دیدار کرد و با هند موافقت نامه همکاری های استراتژیک امضا کرد که در میان دیگر مسائل، آموزش و تجهیز نیروهای افغانستان توسط هند را شامل می شد. این امر به کاهش دیدارهای دوجانبه مقام های افغانستان و پاکستان، افزایش تبادل اتهامات در مورد حملات تروریستی در دو سوی مرز و افزایش در رویدادهای تبادل آتش در دو سوی مرز منجر شد.

اشرف غنی می خواهد وضعیت را به شکل چشم گیری بهبود بخشد و در این کار تند حرکت کرده است، دعوت «ممنون حسین» رئیس جمهور پاکستان در مراسم تحلیف خود پذیرفتن دعوت دیدار از پاکستان، اعلام این که فصل جدیدی از روابط آغاز خواهد شد و دعوت به روابط تجاری بهتر و تبادل دوجانبه بیشتر.

بر اساس گزارش ها، اشرف غنی از مشاوران کلیدی خود خواسته است تا برای یک برنامه مفصل برای بهبود روابط ابتکار عمل به خرج دهند. این ابتکار عمل ها احتمالا اقدامات در راستای بهبود تعامل تجاری و اقتصادی و روابط مردمی خواهد بود. به طور مثال، دوطرف باید برای تقریبا یک میلیون پناهنده ثبت نشده افغان که هنوز در پاکستان زندگی می کنند، راه حل بیابند. آن ها همچنین باید توافق نامه ترانزیت تجاری افغانستان - پاکستان را که در سال دوهزارده به منظور افزایش تجارت دوجانبه و تقویت همبستگی منطقه ای امضا شد، مرور کنند.

ماه گذشته، آن ها با امضای موافقت نامه در مورد قیمت گذاری ترانزیت برای یک پروژه بزرگ برق، که هدف آن انتقال برق از آسیای مرکزی و از طریق خاک افغانستان به پاکستان است، در زمینه تقویت ارتباطات منطقه ای به پیشرفت هایی نائل آمدند. راحل شریف، لوی درستیزار دوی پاکستان درشش نوامبر به کابل سفر کرد؛ جایی که وی با اشرف غنی دیدار کرد و این حس را که هر دو طرف خواهان گشودن صفحه جدیدی از روابط هستند، تقویت کرد. شریف، در جریان دیدار هایش پیشنهاد دیرینه تعلیم و تربیه سربازان افغانستان را تکرار کرد.

رهبران پاکستانی از یک رئیس‌جمهور باثبات‌تر و قابل پیش‌بینی‌تر در رأس قدرت در افغانستان استقبال خواهند کرد. امضای موافقت‌نامه دوجانبه امنیتی با آمریکا توسط اشرف‌غنی، اندکی پس از به قدرت رسیدنش، نشان می‌دهد که در مقایسه با کرزی تند و غیرقابل پیش‌بینی، احتمالاً او در رویکرد خود نسبت به روابط با آمریکا قاطع‌تر بوده و کمتر هجومی عمل خواهد کرد. امضای موافقت‌نامه دوجانبه امنیتی، برای افغانستان و منطقه این دلالت را دارد که کابل و واشنگتن برای جلوگیری از خروج ناگهانی نیروهای آمریکایی باهم همکاری خواهند کرد. ناظران نگران بوده‌اند که شکست در تکمیل کردن موافقت‌نامه دوجانبه امنیتی به خروج کامل نیروهای بین‌المللی تا اواخر سال جاری از افغانستان منجر خواهد شد، شبیه چیزی که در اواخر سال دوهزارویازده در عراق اتفاق افتاد.

پیشرفت‌های اخیر داعش، فشارها روی کاخ سفید را افزایش داده‌اند تا اطمینان حاصل شود که آمریکا شتاب‌زده افغانستان را ترک نخواهد کرد. نگرانی‌ها در مورد ظهور داعش و این‌که این امر برای گرایش‌ات تروریسم در جنوب آسیا چه مفهومی دارد، نیز رهبران افغانستان و پاکستان را تشویق خواهد کرد تا به دنبال تقویت همکاری‌هایشان باشند.

ایمن الظواهری رهبر القاعده، در ویدیویی که در ماه سپتامبر منتشر شد، موجودیت شاخه جدید القاعده در جنوب آسیا را اعلام کرد. احتمالاً نگرانی‌ها در مورد رقابت بر سر سربرازگیری و تأمین مالی با داعش و همچنین این‌که الظواهری خواسته باشد نشان دهد که پیوند القاعده با طالبان هنوز زنده است، باعث شده باشند الظواهری این اعلامیه را صادر کند. برخی از گروه‌های تحریک طالبان پاکستان، که آماج عملیات‌های اردوی پاکستان در مناطق قبیلہ ی بوده‌اند، اخیراً به (گروه تروریستی داعش) اعلام وفاداری کردند.

مهارت‌دهی بنیادگرای اسلامی در منطقه، به بهبود روابط و به‌تساری همکاری‌ها میان حکومت‌های افغانستان و پاکستان نیاز دارد. با توجه به روی کار آمدن حکومت جدید که به بهبود روابط با همسایه‌ها متعهد است و کمک حملات اردوی پاکستان به ریشه‌کن ساختن پناهگاه‌های تروریست‌هایی که در دوسوی مرز فعالیت دارند، زمان آن فرارسیده است تا روی طیف وسیعی از مسائل همکاری شود. در حالی که برای بهبود روابط اقتصادی و تجارتي و تقویت ارتباطات منطقه‌ای زمینه وجود دارد، اردو پاکستان باید در زمینه از بین بردن پناهگاه‌های طالبان در داخل مرز هایش تمایل قوی‌تر نشان بدهد.

تحریک طالبان پاکستان با دیگر گروه‌های تروریستی که بر افغانستان (و هند) حمله می‌کنند، از جمله القاعده، ارتباط دارد و از سیاست‌های آسان‌گیر پاکستان در قبال گروه‌های تروریستی دیگر بهره‌جسته و حملات ضدحکومتی خودشان را انجام می‌دهند. با این حال، حفظ یک رویکرد انتخابی در هدف قراردادن تروریست‌ها، نه تنها تلاش‌های پاکستان در بهبود روابط منطقه‌ای را به مخاطره می‌اندازد، بلکه امنیت داخلی این کشور را نیز به خطر انداخته و به حملاتی مثل آن یکی که در وفاق افتاد، منجر می‌شود. استفاده از گزارش آسوشیتدپرس درباره سفر اشرف غنی به پاکستان.

بقیه گزیده های مقالات (صبا) اینجا کلیک نماید